

طبقه بندی افعال زبانی در فلسفه تحلیلی و علم اصول

محمدعلی عبداللّهی*

مقدمه

مقصود از این مقاله پاسخ به یک پرسش اساسی در قلمرو فلسفه زبان است. آیا می توان افعال زبانی را به چند مقوله معین و محدود تقسیم کرد و همه کارهایی را که انسان به وسیله زبان انجام می دهد، به این چند مقوله تحویل برد؟ برای این که ماهیت پرسش و اهمیت آن بیشتر معلوم شود ناچارم چند نکته را از باب مقدمه تذکر دهم:

۱. ارتباط زبانی، یکی از کارهای پیچیده ای است که انسان انجام می دهد. آدمی در فرآیند ارتباط زبانی مهارت های زبانی خود را به نمایش می گذارد و کارهای شگفت انگیزی از نظر معناشناختی و فلسفی انجام می دهد؛ برای مثال، اخبار می کند، امر و نهی می کند، وعده می دهد و مانند اینها. عجیب تر این که پیدایش نهادهای اجتماعی چون ملکیت، زوجیت و مانند اینها بدون توانایی انسان بر ارتباط زبانی و کارهایی که به وسیله آن انجام می دهد ممکن نیست. یکی از مباحث مهمی که فیلسوفان تحلیلی (در قرن بیستم) طرح کرده اند، تحلیل و بررسی افعالی است که انسان در فرآیند ارتباط زبانی انجام می دهد.

۲. «افعال زبانی^۱» یا «افعال گفتاری^۲» یکی از مباحثی بود که پس از انتشار کتاب مهم و

* استادیار دانشگاه تهران (پردیس قم)

پرنفوذ تحقیقات فلسفی ویتگنشتاین در سال ۱۹۵۳ توجه فیلسوفان زبان را به خود جلب کرد. ویتگنشتاین در تحقیقات فلسفی به موجب تلقی دیگری که از زبان و ماهیت آن پیدا کرده بود، بر فعالیت‌ها و کارهای زبانی تأکید کرد، زیرا طبق تلقی جدید او، سخن گفتن نوعی فعالیت اجتماعی و قاعده‌مند است که انسان آن را در اجتماع یاد می‌گیرد و به عنوان ابزاری برای بیان مقاصد خویش و ارتباط با دیگران - درست یا نادرست - به کار می‌گیرد. وی در بند ۲۳ تحقیقات فلسفی فهرستی از افعال گفتاری به دست می‌دهد. امر کردن، توصیف کردن، پرسیدن، پاسخ گفتن و مانند اینها افعال گفتاری‌ای هستند که انسان‌ها در جریان ارتباط زبانی انجام می‌دهند. از نظر ویتگنشتاین سخن گفتن نوعی فعالیت و یا نوعی صورت زندگی^۴ است.

۳. تأکید ویتگنشتاین متأخر بر افعال گفتاری - به رغم مخالفت شدید وی با هر نوع نظریه پردازي - به نظریه‌ای کلی در فلسفه زبان منتهی شد که آستین^۵ آن را نظریه افعال گفتاری^۶ نامید. آستین در کتاب *How to Do Things with Words*، که پس از مرگش در سال ۱۹۶۲ منتشر شد، نظریه افعال گفتاری را به عنوان نظریه‌ای فلسفی پروراند و بعضی از عناصر، مقومات و نتایج آن را تشریح کرد.^۷ شاگرد آستین، جان سرل در سال ۱۹۶۹ با انتشار کتاب افعال گفتاری، نظریه یادشده را بسط و توسعه داد. فرضیه اصلی نظریه افعال گفتاری این است که سخن گفتن، فعلی پیچیده و قاعده‌مند است. لازمه این فرضیه این است که واحد ارتباط زبانی فعل گفتاری است؛ یعنی در صورتی ارتباط زبانی تحقق می‌یابد که گوینده با استفاده از علائم و نشانه‌های زبانی، کاری صورت دهد. همین نکته را سرل این گونه توضیح داده است:

هر ارتباط زبانی مستلزم افعال زبانی است. واحد ارتباط زبانی، آن گونه که عموماً گمان کرده‌اند، نشانه، واژه یا جمله و یا حتی مصداق نشانه، واژه یا جمله نیست، بلکه ایجاد یا صدور نشانه یا واژه و یا جمله در انجام فعل گفتاری است و افعال گفتاری واحدهای بنیادین یا کوچک‌ترین واحدهای ارتباط زبانی‌اند.^۹

طبق نظریه افعال گفتاری، ی هر نوع تحلیلی از زبان و کارهای زبانی که تنها بر اساس عناصر زبانی و علائم و نشانه‌ها صورت گیرد ناقص است. تحلیل زبان باید با توجه به این نکته صورت پذیرد که سخن گفتن فعلی قصدی از افعال انسان است که با علائم و نشانه‌های زبانی انجام می‌شود. در تحلیل افعال گفتاری باید دو عنصر اصلی مد نظر قرار گیرد؛ یکی قصد گوینده و

دیگری ابزاری که برای ابراز و اظهار قصد از جانب گوینده به کار گرفته می‌شود. هم قصد گوینده و هم ابزارهایی که برای اظهار آن به کار می‌روند تابع شرایطی هستند که اگر آن شرایط تحقق یابند فعل گفتاری به صورت تام و تمام انجام خواهد شد.

۴. هر گوینده‌ای که به قصد ارتباط زبانی جمله‌ای را اظهار می‌کند دست کم سه نوع فعل متمایز از هم، انجام می‌دهد:

الف) ادای واژه‌های با معنا = فعل تلفظی (= utterance act)

ب) حکایت و حمل = فعل قضیه‌ای (= propositional act)

ج) بار محتوایی (اخبار، انشا و...) = فعل مضمون در سخن (= illocutionary act)

انجام این سه نوع فعل را در مثال زیر می‌توان به آسانی نشان داد:

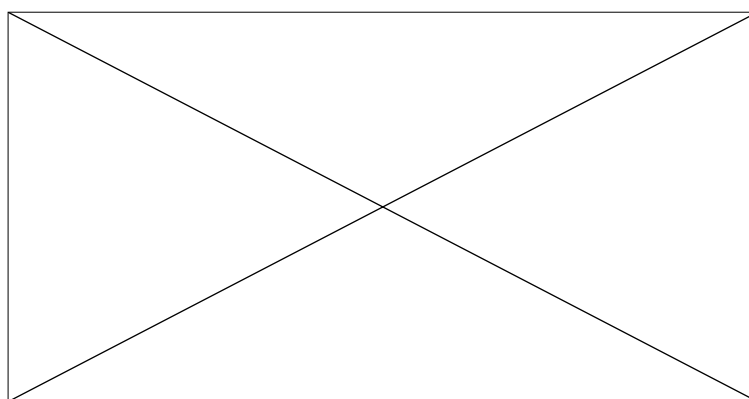
وقتی گوینده‌ای جمله «علی درس می‌خواند» را ادا می‌کند، نخست، واژه‌هایی با معنا ادا کرده است. دوم، محمول درس خواندن را بر علی بار کرده است؛ یعنی فعل گفتاری حمل را انجام داده است. هم چنین معلوم و معین کرده است که علی موضوع محمول یادشده است؛ یعنی فعل گفتاری حکایت را انجام داده است. سوم، گوینده با گفتن جمله یادشده از آمدن علی اخبار کرده است؛ یعنی فعل گفتاری اخبار را تحقق بخشیده است.

بدین ترتیب، گوینده با اظهار جمله «علی درس می‌خواند» سه نوع فعل انجام داده است. تا این جا مسئله روشن است ولی تبیین ربط و نسبت هر یک از این سه فعل با دو فعل دیگر کار چندان آسانی نیست. نظریه افعال گفتاری توضیح و تبیین این سه نوع فعل و ربط و نسبت آنها با یک دیگر و بیان شرایط و قواعد انجام آنها را به عهده دارد.

از میان افعال سه گانه یادشده، فعل گفتاری کامل همان فعل مضمون در سخن است، فعل حمل و حکایت هر کدام، بخشی از فعل مضمون در سخن کامل اند. در حقیقت واحد ارتباط زبانی و به تعبیری دقیق تر مقوم ارتباط زبانی، انجام فعل مضمون در سخن است.^۹

۵. فعل مضمون در سخن از دو عنصر اصلی تشکیل شده است؛ یکی بار مضمون در سخن، دیگری محتوای قضیه‌ای. واضح است که در هر جمله‌ای که گوینده دارای قصدی، آن را ادا می‌کند لامحاله باری نهفته است. برای مثال، در جمله «علی درس می‌خواند» گوینده می‌خواهد از درس خواندن علی خبر دهد، پس بار نهفته در جمله یادشده اخبار است. به یقین بار نهفته در هر جمله‌ای محتوایی دارد که حامل آن بار است. برای مثال، در جمله یادشده که بار آن

اخبار است، محتوای اخبار (مُخبرٌ به)، درس خواندن علی است. بدین ترتیب، ساختار فعل مضمون در سخن را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



مطالب یادشده چند نکته را روشن می‌کند:

- الف) واحد بنیادین زبان پس از تحلیل، فعل گفتاری است.
 ب) تحلیل انواع فعل گفتاری‌ای که گوینده هنگام سخن گفتن انجام می‌دهد، ما را به این نتیجه می‌رساند که فعل گفتاری کامل، فعل مضمون در سخن است.
 ج) تحلیل ساختار فعل مضمون در سخن نشان می‌دهد که عنصر اصلی در ارتباط زبانی بار مضمون در سخن است.

حال برمی‌گردیم به پرسش اصلی مقاله. وقتی از طبقه‌بندی افعال زبانی می‌پرسیم در حقیقت پرسش ما از تعداد انواع افعال مضمون در سخن است و نه انواع افعال گفتاری. ساختار فعل مضمون در سخن - چنان‌که در بالا نشان دادیم - از دو عنصر اصلی تشکیل شده است؛ یکی محتوای قضیه‌ای (حمل - حکایت) و دیگری بار مضمون در سخن. محتوای قضیه‌ای می‌تواند متنوع و متکثر باشد و تنوع و تکثر آن نیز تابع هیچ نظم و قاعده‌ای نیست و اگر هم بتوان نظم و قاعده‌ای برای آن برشمرد، به لحاظ فلسفی و از منظر تحلیل فعل گفتاری چندان اهمیتی ندارد. آنچه در تحلیل ما در خصوص طبقه‌بندی افعال زبانی مهم است، عنصر دوم، یعنی همان بار نهفته در سخن است. بنابراین پرسش از انواع فعل زبانی در حقیقت به این پرسش اساسی باز می‌گردد که چند نوع بار مضمون در سخن وجود دارد؟

نکات یادشده^{۱۰} زمینه را برای فهم دقیق‌تر پرسشی که مقاله را با آن آغاز کردیم، فراهم می‌آورد. به راستی، ما زبان را به چند صورت به کار می‌بریم؟ چرا و بر پایه چه ملاکی جمله‌ای را وعده و جمله‌دیگری را اخبار و جمله‌سومی را امر می‌نامیم، آیا می‌توان بار یا بارهای مضمون در سخن بنیادینی یافت و بقیه را به آنها بازگرداند؟ در پاسخ به پرسش‌های - به ظاهر مختلف ولی به واقع واحد - یادشده آراء و نظریه‌هایی عرضه شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

نظریه ویتگنشتاین

ویتگنشتاین در تحقیقات فلسفی گفته است:

اما چند نوع جمله وجود دارد؟... انواع بی‌شمار جمله وجود دارد:

بی‌نهایت انواع مختلف از چیزهایی که «نشانه‌ها»، «واژه‌ها» و «جمله‌ها»

می‌نامیم وجود دارد.^{۱۱}

این پاسخ ویتگنشتاین بر تلقی خاصی مبتنی است که او در کتاب تحقیقات فلسفی از زبان و حقیقت آن به دست داده است. ویتگنشتاین در دوره اول فکر خود در رساله منطقی - فلسفی تنها یک صورت معنادار برای گزاره‌های زبانی قائل شده بود؛ زیرا طبق نظر او گرچه واژه‌ها محدودند، ولی گزاره‌ها می‌توانند نامحدود و نامعین باشند، اما از نظر محتوا و بار معناشناختی، زبان تنها تصویر امور واقع است و ما می‌توانیم فقط از زبان واقع‌نما که واقعیت‌ها را برای ما تصویر می‌کند، سخن بگوییم.^{۱۲} ویتگنشتاین از این تحلیل نتیجه گرفت که ساختار زبان و ساختار واقعیت یکی است و تنها صورت معنادار و واقعی زبان که فیلسوف باید به آن توجه کند، صورتی است که واقعیت را نشان می‌دهد. طبق این نظرگاه، قصد گوینده و نحوه استعمال زبان هیچ نقشی در تحلیل فیلسوف از زبان ندارد، بلکه فیلسوف تنها باید با تحلیل گزاره‌های مرکب و پیچیده سعی کند ساختار منطقی و واقعی زبان را نشان دهد، این تحلیل تا آن جا باید ادامه یابد که فیلسوف به گزاره‌های بسیط دست یابد. گزاره‌های بسیط، گزاره‌هایی‌اند که از اسمای منطقی تشکیل شده‌اند و هر یک مابازائی معین و معلوم در عالم خارج دارند.

نظرگاه ویتگنشتاین متقدم در باب زبان - که راسل در مقدمه اتمیسم منطقی به صراحت تأثیرپذیری خود را از آن اعلام کرده است - لوازم معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی متعدد و

متکثری دارد که هم راسل در اتمیسم منطقی و هم پوزیتیویست های منطقی، بسیاری از آنها را بر پایه تحلیل یادشده استخراج کرده اند. آن چه برای مقصود فعلی ما مهم است، توجه به این نکته است که اساساً پرسش از انواع کارهای زبانی و جست و جوی تکثر و تنوع صورت های زبانی - به لحاظ مبنا - در فلسفه راسل و ویتگنشتاین متقدم و شاید بتوان گفت در دوره کلاسیک فلسفه تحلیلی مطرح نیست.

اما طبق تلقی جدید ویتگنشتاین در تحقیقات فلسفی، نمی توان برای زبان ماهیت واحدی که مقوم همه صورت های مختلف زبانی باشد در نظر گرفت. ویتگنشتاین در دوره متأخر فکر خود مقصودش را با استفاده از استعاره «بازی های زبانی»^{۱۳} توضیح می دهد. تشبیه زبان به بازی برای تأکید بر دو نکته است:

(الف) زبان مانند بازی فعالیتی انسانی است که انسان آن را در جامعه فرا می گیرد.

(ب) زبان مانند بازی ها تابع قواعد و قوانین قوام بخشی است که با صرف نظر از آن قواعد، کارکرد اصلی خود را از دست می دهد.

طبق این تحلیل، زبان مانند بازی هیچ صورت معین و ماهیت واحدی ندارد. لازم نیست ماهیت واحدی مقوم و جوهره همه کاربردهای مختلف زبان باشد. کاربردهای مختلف زبان صرفاً شباهت هایی با یک دیگر دارند که ویتگنشتاین به «شباهت خانوادگی»^{۱۴} تعبیر می کند. این تلقی از زبان تحول چشم گیری در فلسفه تحلیلی به حساب می آید. ویتگنشتاین به مدد همین تلقی جدید نظرگاه خاصی در باب مسئله معنا عرضه کرده است که به «نظریه استعمال»^{۱۵} معروف است. نتیجه مهمی که این نظرگاه ویتگنشتاین^{۱۶} برای ما دارد، این است که او از ما می خواهد زبان را ابزاری بدانیم که گویندگان، مقاصد مختلف و متکثر خود را با آن ابراز می دارند و چون مقاصد گویندگان مختلف و چه بسا از شماره بیرون است، پس نمی توان صورت معین و محدودی برای آن در نظر گرفت^{۱۷}. زیرا همواره یافتن بازی زبانی جدیدی امکان دارد. حاصل این که طبق نظرگاه ویتگنشتاین، گرچه واژه ها و جمله ها به عنوان ابزار زبانی محدودند، ولی کارهایی که با آنها می توان صورت داد، نامحدوداند.

طبقه بندی سرل

سرل نظرگاه خود را در باب طبقه بندی افعال گفتاری با نقد و بررسی نظریه ویتگنشتاین آغاز

می‌کند. به اعتقاد سرل^{۱۸} کسی تاکنون نگفته است و نخواهد گفت که بی‌نهایت نظام اقتصادی داریم یا بی‌نهایت نظام سیاسی وجود دارد، پس چرا باید در میان جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی بشر، تنها زبان از نظر طبقه‌بندی غیرقابل شمارش باشد؟ بی‌شک، زبان نیز مانند بقیه جنبه‌های حیات اجتماعی طبقه‌بندی خاصی دارد. مهم این است که بتوانیم معیار و ملاک دقیقی برای این طبقه‌بندی به دست دهیم و مبانی آن را معلوم سازیم.

سرل قبل از این که طبقه‌بندی خود را عرضه کند و ملاک‌های آن را به دست دهد، نکته مهمی را بیان می‌کند، به اعتقاد وی^{۱۹} روشی که او برای طبقه‌بندی افعال زبانی به کار می‌گیرد به یک اعتبار، روش تجربی است؛ یعنی صرفاً از مطالعه موارد استعمال زبان و بررسی گفتار واقعی می‌توان به دست آورد که چند نوع فعل مضمون در سخن به وسیله زبان صورت می‌پذیرد. به اعتقاد سرل، مشاهده موارد استعمال زبان نشان می‌دهد که ما پنج طبقه فعل مضمون در سخن داریم. البته، آن چه در موارد استعمال می‌بینیم بالضرورة تبیینی عقلانی و نظری دارد؛ یعنی آن چه در موارد استعمال رخ می‌دهد امری دلب‌خواهی و اتفاقی نیست، بلکه مبنای این طبقه‌بندی این است که ذهن فقط با این پنج طریق می‌تواند واقعیت را نشان دهد.

مقصود سرل این است که اولاً، طبقه‌بندی افعال زبانی ناظر به بار محتوایی‌ای است که در علائم و نشانه‌های زبانی نهفته است؛ ثانیاً، بار محتوایی علائم و اصوات، ذاتی آنها نیست، بلکه ذهن معنا و محتوا را بر اصوات و علائم تحمیل می‌کند؛ ثالثاً، ذهن تنها از راه‌های محدود و معینی می‌تواند واقعیت را نشان دهد. اینها همه نشان می‌دهد که تحلیل ذهن می‌تواند امکان‌ها و محدودیت‌های زبان را آشکار سازد.

با توضیح یادشده اکنون به سراغ پاسخ سرل به پرسش اصلی این مقاله می‌رویم؛ یعنی این پرسش که چند نوع فعل مضمون در سخن یا چند نوع فعل زبانی داریم. شاید در آغاز تصور شود که برای پاسخ به پرسش یادشده کافی است که افعال نحوی مختلفی را که برای انجام افعال گفتاری به کار می‌بریم، بشماریم، افعالی چون عذرخواهی، تشکر، وعده، امر، دستور و مانند اینها. اما چنان که سرل تذکر داده است^{۲۰} چنین کاری گیج‌کننده است و در عمل با تعداد بی‌شماری از چنین افعالی مواجه خواهیم شد بی‌آن که بتوانیم طبقه‌بندی درستی از آنها به دست دهیم. راه حل این است که وجوه و جنبه‌های مشترک میان افعال گفتاری مختلف را بیابیم. سرل برای چنین کاری مفهوم «هدف مضمون در سخن»^{۲۱} را به کار می‌گیرد. هدف مضمون در سخن

همان هدف یا مقصودی است که به خاطر آن فعل گفتاری را در طبقه خاصی قرار می‌دهیم. برای مثال، وقتی امر می‌کنیم ممکن است عوامل مختلفی منشأ امر باشند و یا این که امر با درجات مختلفی صادر شود، با این حال امر از آن جهت که امر است اگر طبق شرایط و به صورت درست انجام گیرد، یک هدف مضمون در سخن دارد و آن عبارت است از تلاش برای وادار ساختن شنونده به انجام کاری. یا برای مثال فعل گفتاری وعده، از آن جهت که وعده است وقتی گوینده جمله «من وعده می‌دهم که...» را ادا کند، به عنوان تعهد به یک الزام مبنی بر انجام کاری به حساب می‌آید هر چند ممکن است گوینده به ادله مختلفی و با درجات متفاوتی وعده دهد.

مفهوم «نکته یا هدف مضمون در سخن» ملازم با دو مفهوم دیگر نیز هست که در طبقه بندی افعال گفتاری نقش اساسی دارند، مفهوم «جهت انطباق»^{۲۲} و «حالت قصدی»^{۲۳}. هدف مضمون در سخن، هم جهت انطباق محتوای جمله ادا شده را معین می‌کند و هم حالت قصدی و روان شناختی گوینده را. برای روشن شدن مقصود سرل مفاهیم یاد شده را، شرح و بسط بیشتری می‌دهیم.

بعضی از عبارات زبانی به گونه‌ای هستند که هدف و نکته اصلی نهفته در آنها این است که گوینده می‌خواهد محتوای جمله را با جهان منطبق کند و بعضی دیگر به نحوی هستند که گوینده می‌خواهد جهان را با واژه‌ها منطبق کند. برای مثال، جمله‌های توصیفی، اخباری و تبیینی از نوع اول اند و جمله‌های پرسشی، دستوری و مانند اینها از نوع دوم اند. گوینده در جمله «باران می‌بارد» که جمله‌ای اخباری است از واقعیتی در خارج - به صورت صادق یا کاذب - خبر می‌دهد و با این کار محتوای تعبیر زبانی به کار گرفته را با جهان منطبق می‌کند، ولی در جمله «آب بیاورد» واقعیتی پیش از اظهار جمله وجود ندارد، بلکه در حقیقت، گوینده می‌خواهد جهان خارج را با جمله خود منطبق سازد و به عبارت دیگر نوعی انشا و ایجاد در کار است.

علاوه بر جهت انطباق، گوینده در انجام یک فعل گفتاری حالت‌های روان شناختی خود را نیز اظهار می‌کند و در حقیقت طرز تلقی و نگرش خود را نسبت به محتوای قضیه بیان می‌دارد. برای مثال، کسی که چیزی را به وسیله قضیه‌ای تبیین یا ادعا و یا اظهار می‌کند در واقع با اظهار همان قضیه و عبارت زبانی، اعلام می‌کند که به محتوای آن باور دارد. کسی که وعده می‌دهد، حالت روان شناختی خود را نیز اعلام می‌دارد مبنی بر این که قصد انجام فعل وعده داده شده را دارد. حالت روان شناختی اظهار شده در انجام یک فعل مضمون در سخن، شرط صداقت^{۲۴} آن فعل است.^{۲۵}

از نظر سرل^{۲۶} پرسش از طبقه بندی و انواع مختلف فعل مضمون در سخن در حقیقت

پرسش از انواع هدف‌های مضمون در سخن است. اگر در طبقه‌بندی افعال زبانی مبنای تحلیل خود را بر پایه مفهوم هدف مضمون در سخن و دو مفهومی که لازمه آن هستند، یعنی مفهوم جهت انطباق و شرط صداقت، استوار کنیم، معلوم می‌شود که کارهای زبانی که به وسیله زبان انجام می‌دهیم نامحدود نیستند، بلکه محدود به چند طبقه معلوم و معین‌اند. سرل اظهار داشته است:

به نظر من این سه جنبه - هدف مضمون در سخن، جهت انطباق و شرط صداقت - بسیار مهم‌اند و من طبقه‌بندی خودم را بیشتر بر پایه آنها استوار می‌کنم. ۲۷

به اعتقاد سرل، دقت در مفهوم هدف مضمون در سخن و مفاهیم ملازم آن، نشان می‌دهد که تنها و تنها پنج نوع هدف مضمون در سخن داریم و در نتیجه، تنها پنج طبقه فعل گفتاری وجود دارد:

۱. اخباری‌ها (= assertive)

نکته اصلی و هدف نهفته در طبقه اخباری‌ها، این است که مخاطب ملزم به صدق قضیه می‌گردد. این نوع قضایا واقعیت یا وضع اموری را در جهان عرضه می‌کنند. قضایایی که بیان‌گر توصیف، تبیین، طبقه‌بندی و مانند آن هستند، ذیل این طبقه قرار می‌گیرند. همه قضایایی که ذیل این طبقه واقع می‌شوند جهت انطباقشان، واژه به جهان (word to world) است؛ یعنی گوینده می‌خواهد از یک واقعیت موجود خبر دهد، و شرط صداقت اینها همواره باور گوینده به محتوای جمله است. وقتی کسی می‌گوید «باران می‌بارد» حالت روان‌شناختی گوینده این است که او به آمدن باران باور دارد. بهترین طریق برای تشخیص این طبقه این است که ببینیم آیا قضیه صدق و کذب‌پذیر است یا نه.

۲. انگیزش‌ها (= directives)

قصد و نکته اصلی نهفته در این نوع قضایا این است که گوینده، شنونده را وادار کند که مطابق با محتوای گفتار او رفتار کند. امرها، درخواست‌ها و مانند اینها نمونه‌هایی از این طبقه‌اند. جهت انطباق این نوع قضایا، جهان با واژه (world to word) است؛ یعنی این نوع قضایا ایجاد می‌کند، زیرا گوینده از مخاطب خود می‌خواهد محتوای گفتار او را در خارج محقق

کند. حالت روان‌شناختی گوینده در این نوع قضایا میل و خواسته‌اوست مبنی بر این که شنونده باید فعل مورد نظر را انجام دهد. تلاش گوینده برای واداشتن شنونده به انجام فعل، مراتب مختلفی دارد، از دعوت به انجام فعل و پیشنهاد انجام آن، تا الزام و اصرار بر انجام آن فعل، حتی جمله‌های پرسشی نیز در این طبقه جای می‌گیرند. این نوع قضایا صدق و کذب ندارند، بلکه می‌توانند مورد عمل یا تخلف و مانند آن قرار گیرند.

۳. التزامی‌ها (=commissives)

هدف و نکته اصلی نهفته در این طبقه این است که گوینده خود را (با درجات متفاوتی) ملزم و متعهد به انجام کاری در آینده کند. وعده‌ها، قَسَم‌ها، نذرها و پیمان‌ها در این طبقه جای می‌گیرند. جهت انطباق در این طبقه، انطباق جهان با واژه (world to word) است و حالت روان‌شناختی‌ای که گوینده با بیان قضایایی از این دست اظهار می‌کند، قصد است. از آن چه گفتیم روشن شد که جهت انطباق در طبقه التزامی‌ها و طبقه انگیزشی‌ها واحد است. آیا وحدت جهت انطباق نمی‌تواند باعث شود که هر دو نوع را در یک طبقه قرار دهیم؟ سرل در پاسخ به این پرسش اظهار داشته است^{۲۸} که: نمی‌توانیم این دو را در یک طبقه جای دهیم زیرا درست است که جهت انطباق؛ برای مثال، در فعل گفتاری وعده و فعل گفتاری درخواست یکی است ولی هدف اصلی از فعل گفتاری، وعده التزام گوینده به انجام فعل است و نه ضرورتاً واداشتن خود به انجام فعل، در حالی که هدف و نکته اصلی نهفته در فعل گفتاری، درخواست واداشتن شنونده به انجام کار است و نه التزام و تعهد او به انجام کار. اگر بخواهیم فعل وعده و فعل درخواست را در یک طبقه جای دهیم، یا باید ثابت کنیم که فعل وعده، واقعاً یک نوع درخواست است و یا این که فعل درخواست به گونه‌ای شنونده را تحت یک الزام و تعهد قرار می‌دهد، و چون نمی‌توانیم هیچ یک از این دو را ثابت کنیم، در نتیجه، باید به دو طبقه مستقل قائل شویم.

۴. ابرازی‌ها (=expressive)

هدف اصلی و نکته نهفته در این طبقه از افعال این است که گوینده صرفاً حالت روان‌شناختی معینی را نسبت به وضع اموری که در محتوای قضیه معین شده ابراز کند. افعالی چون تشکر کردن، عذرخواهی، تبریک، تسلیت، خوش‌آمدگویی و مانند اینها جزو این طبقه‌اند.

در این طبقه جهت انطباق وجود ندارد. وقتی گوینده‌ای می‌گوید «من از شما بابت پرداخت پول، تشکر می‌کنم» نمی‌خواهد جهان را با واژه‌ها و یا واژه‌ها را با جهان منطبق کند، بلکه گوینده، صدق قضیه اظهار شده (پرداختن پول) را مسلم می‌داند و صرفاً نسبت به آن چه در محتوای قضیه معین و مسلم فرض شده، حالت روان‌شناختی خاصی را اظهار می‌کند.

۵. اعلان‌ها (= declaration)

هدف و نکته نهفته در این نوع از افعال گفتاری این است که از طریق نفس اعلان، در جهان تغییری ایجاد شود؛ برای مثال، وقتی رهبر یک کشور بگوید: «بدین وسیله اعلام جنگ می‌کنم» با این اظهار، جنگ اعلام شده است و با همین اعلان واقعیت تغییر یافته و وضع امر جدیدی پدید می‌آید. در مورد اعلان‌ها دو جهت انطباق وجود دارد، زیرا اولاً واقعیت و جهان را تغییر می‌دهیم، پس جهت انطباق جهان با واژه (= world to word) است و ثانیاً این کار را بدین وسیله انجام می‌دهیم که می‌گوییم جنگ اعلام شد پس جهت انطباق واژه با جهان (word to world) است.

اعلان‌ها در میان افعال گفتاری بی‌نظیراند از این جهت که نفس انجام موفق فعل گفتاری اعلان، به معنای تغییر و پدید آوردن وضع امری است؛ برای مثال، اگر گوینده‌ای طبق شرایط و قواعد انجام یک معامله، بگوید: «کتابم را فروختم»، وضع امری‌ای پدید می‌آید که قبلاً نبوده است. البته، چنان‌که سرل تذکر داده است^{۲۹}، این طبقه از افعال گفتاری مستلزم نهادهای فرازبانی است؛ یعنی علاوه بر نهاد زبان که شرط لازم فعل گفتاری اعلان است، باید نهادی فرازبانی که سرل از آن به واقعیت نهادی^{۳۰} تعبیر می‌کند وجود داشته باشد تا بر اساس آن گفتن «کتابم را فروختم»، فروختن کتاب اعتبار شود و یا تکه‌های کاغذ رنگارنگ جیب من، پول تلقی گردد. اگر اعتبار عقلاء در این موارد نباشد، فعل یادشده تحقق نخواهد یافت.^{۳۱}

تحلیل و بررسی طبقه بندی سرل

۱. مهم‌ترین نکته‌ای که از طبقه‌بندی سرل استنتاج می‌شود و وی نیز بر آن انگشت تأکید نهاده این است که کاربرد زبان برای انجام ارتباط زبانی محدود و مقید است و ما تنها در قالب پنج طبقه یادشده کارهای زبانی انجام می‌دهیم. دلیل این امر نیز تجزیه و تحلیل ذهن است، زیرا ذهن تنها با این روش‌ها واقعیت را نشان می‌دهد.

۲. طبق مبنای سرل، ملاک و معیار طبقه‌بندی افعال گفتاری، قصد نهفته در سخن است، زیرا طبق نظریه افعال گفتاری، قصد گوینده، عنصر اساسی انجام یک فعل زبانی است. بنابراین، افعال گفتاری را نمی‌توان بر حسب صدق و کذب، یعنی جهت انطباق طبقه‌بندی کرد، چنان‌که پوزیتیویست‌های منطقی چنین می‌کردند، زیرا بعضی از افعال گفتاری با این‌که جهت انطباق آنها یکی است، نمی‌توان آنها را در یک طبقه جای داد؛ برای مثال، فعل گفتاری وعده و فعل گفتاری امر با این‌که جهت انطباق هر دو این است که گوینده می‌خواهد جهان را با واژه منطبق کند ولی بی‌تردید هدف نهفته در وعده و هدف اصلی از اظهار آن، غیر از هدف نهفته در امر است. در وعده، هدف اصلی التزام گوینده به یک الزام است در حالی که در امر، واداشتن مخاطب است به انجام فعلی. ثانیاً، بعضی از افعال گفتاری خنثی هستند و اصلاً جهت انطباق ندارند؛ برای مثال، در فعل گفتاری «تشکر کردن» جهت انطباق وجود ندارد، زیرا گوینده، در انجام فعل تشکر نمی‌خواهد واقعیتی را با گفتار خود منطبق کند و یا گفتار خود را با واقعیت منطبق سازد. وقتی گوینده می‌گوید: «من از شما به خاطر پولی که به من پرداختید، تشکر می‌کنم» صرفاً حالت روان‌شناختی خود را نسبت به «پرداخت پول»، که صدق آن مسلم است، ابراز می‌دارد. و ثالثاً بعضی از افعال گفتاری دو جهت انطباق دارند، مانند اعلان‌ها. به هر تقدیر از نظر سرل، جهت انطباق لازمه هدف و مقصود نهفته در سخن است. بنابراین، معیار اساسی برای طبقه‌بندی افعال گفتاری، همان قصد و هدف اصلی هر فعل گفتاری است.

۳. طبق نظرگاه سرل، باید میان طبقه‌بندی افعال زبانی و انواع افعال زبانی تمایز قائل شد. طبقه‌بندی افعال زبانی مربوط به یک نوع از انواع مختلف افعال زبانی است. معمولاً هنگام ادای یک جمله، چند نوع فعل زبانی انجام می‌دهیم. یکی از این انواع مختلف، فعل مضمون در سخن است. طبقه‌بندی افعال زبانی، به همین نوع راجع است. چنان‌که پیش از این توضیح دادیم، طبقه‌بندی افعال زبانی به معنای طبقه‌بندی بار نهفته در سخن گوینده است، بنابراین با انواع دیگر افعال گفتاری مانند فعل ناشی از سخن یا فعل تلفظی، کاری نداریم.

طبقه‌بندی افعال زبانی در علم اصول

طبقه‌بندی افعال زبانی در علم اصول نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. از نگاه عالمان علم اصول هر فعل زبانی‌ای که از گوینده صادر شود لزوماً در یکی از دو طبقه اخبار یا انشا جای

می‌گیرد. طبق این بیان، تقسیم افعالی که انسان به وسیله زبان انجام می‌دهد، به اخبار و انشا، تقسیمی^{۳۲} قاطع و قطعی است.^{۳۳} برای توضیح مسئله و روشن شدن آراء و انظار عالمان علم اصول باید نکاتی را تذکر دهیم:

۱. عالمان علم اصول، همانند زبان‌شناسان، واحد ارتباط زبانی را جمله دانسته‌اند. جمله در یک تقسیم اولیه به تام و ناقص و جمله تام هم در تقسیمی دیگر به جمله خبریه و جمله انشائیه تقسیم می‌شود.

فهم دقیق و درست این تقسیم بر تحلیل جمله، مبتنی است. جمله واحدی زبانی است که از ماده و هیئت تشکیل شده است. ماده جمله همان مفردات جمله‌اند. هیئت جمله، ترکیب و تألیف خاص مفردات معین است، به نحوی که، تألیف مفردات مدلول و معنایی دارد که مفردات به تنهایی آن معنا و مدلول را ندارند. طبق این تحلیل، هیئت جمله هویتی جدا از هویت مفردات دارد و به حسب قرارداد هیئت جمله برای معنای خاصی غیر از معنای مفردات وضع شده است. جمله، با توجه به هیئت اش، یا تام است و یا ناقص. جمله ناقص، جمله‌ای است که تمام معنای مقصود گوینده را افاده نمی‌کند. وقتی گوینده جمله ناقصی را ادا می‌کند، شنونده منتظر می‌ماند که گوینده ادامه جمله را نیز بگوید. ترکیب‌های وصفی و اضافی مانند «گل زیبا» و «خانه علی» مصداق بارز جمله‌های ناقص‌اند. در مقابل، جمله تام، جمله‌ای است که تمام معنای مقصود گوینده را افاده می‌کند. چنان‌که از تعریف یادشده آشکار می‌شود، نقص و تمام، وصف لفظ نیستند بلکه صفت نسبت موجود در جمله و محتوای آن‌اند.

جمله تام از نظرگاه عالمان علم اصول به حصر عقلی فقط محدود و محصور به دو طبقه است؛ یکی جمله خبری و دیگری جمله انشائی. زمانی دلیل این حصر عقلی روشن می‌شود که بتوانیم حقیقت اخبار و انشا را معلوم کنیم.

۲. به نظر می‌رسد که تقسیم جمله به تام و ناقص از زاویه نگاه مقاله حاضر و اهداف آن، اهمیتی ندارد، زیرا واحد ارتباط زبانی فعلی است که گوینده انجام می‌دهد نه جمله یا واژه به تنهایی. بی‌گمان هرگاه گوینده بتواند به وسیله ابزار و علائم زبانی، فعلی انجام دهد، ارتباط زبانی برقرار شده است. جمله به این دلیل موصوف به نقص می‌شود که گوینده نتوانسته است فعلی تام را محقق کند. به عبارت دیگر، تمایزهای معناشناختی زبان در سطح عمیق به صورت‌های متفاوت و مختلفی در زبان‌های خاص نشان داده می‌شود. به دلیل توجه به همین نکته است که

بعضی از عالمان علم اصول در مورد اخبار و انشا دو بحث مُجَزَّأً ولی مرتبط به یک دیگر، طرح کرده‌اند؛ یکی بحث هیئت جمله‌های خبری و جمله‌های انشائی و تفاوت آنها با یک دیگر، و دیگری بحث از حقیقت خبر و انشا و تعیین ویژگی‌ها و تفاوت هر یک با دیگری. بی‌گمان بحث دوم تقدم منطقی بر بحث اول دارد؛ به این معنا که نخست باید حقیقت اخبار و انشا تحلیل شود سپس تمایزهای زبان شناختی مورد توجه قرار گیرد. ما در این مقاله بیشتر از منظر فلسفی با حقیقت اخبار و انشا سروکار داریم. بررسی آثار و نتایج زبان شناختی طبقه‌بندی ارتباط زبانی به اخبار و انشا در سطح دستوری زبان‌های خاص تحقیق مستقلی را طلب می‌کند.

به هر تقدیر، گرچه همه عالمان علم اصول بحث حقیقت اخبار و انشا را از بحث جمله‌های خبری و انشائی جدا نکرده‌اند و به صورت مُندمج و متداخل بحث کرده‌اند، ولی منطق بحث اقتضا می‌کند که این دو بحث را از یک دیگر تفکیک کنیم؛ به این معنا که نخست، معنا و حقیقت فعل اخبار و انشا را معلوم کرده و سپس توضیح دهیم که آیا تفاوت اخبار و انشا، در مقام وضع و در سطح تمایزهای زبان شناختی نیز اخذ شده است یا نه، و سپس در مرتبه سوم، توضیح دهیم که به کدام دلیل، افعال زبانی از نگاه عالمان علم اصول منحصر در دو طبقه اخبار و انشا است.

حقیقت اخبار و انشا

در باب حقیقت اخبار و انشا و تفاوت آنها با یک دیگر، میان عالمان علم اصول اختلاف نظر وجود دارد. پیش از بیان نظریه‌های مهم در این زمینه باید نکته‌ای را تذکر دهیم. اخبار و انشا، هر دو فعل قصدی‌اند؛ یعنی اخبار به همان اندازه فعل است که انشا فعل است. اساساً هرگونه ارتباط زبانی از مقوله فعل است. این مسئله در نظریه افعال گفتاری چنان‌که پیش‌تر از این اشاره کردیم، به خوبی و دقت توضیح داده شده است و عالمان علم اصول نیز به آن تصریح کرده‌اند. محقق اصفهانی در رساله طلب و اراده گفته است:

اخبار، حکایت، ارائه، اظهار و اعلام، همه عرفاً انشانند، یعنی واقعیتی غیر از خودشان ندارند و صدق و کذب‌پذیری اخبار به اعتبار خود اخبار نیست بلکه به لحاظ مخبریه است، زیرا جمله خبری در اخبار استعمال نمی‌شود بلکه در معانی مفردات جمله استعمال می‌شود و اخبار فعلی است که گوینده آن را با تلفظ به جمله خبری به عنوان حکایت انجام می‌دهد. ۳۴

محقق اصفهانی در حاشیه کفایه^{۳۵} نیز به صراحت بیان کرده است که اخبار و انشا از شئون استعمال اند و استعمال، فعل قصدی است که گوینده انجام می دهد. هم چنین محقق خوئی^{۳۶} در بحث جمله خبریه و انشائیه تصریح کرده است که حکایت در اخبار و ابراز امر نفسانی در انشا، امور اختیاری و فعل اختیاری گوینده اند. بنابراین، عالمان علم اصول در این که اخبار و انشا از مقوله فعل قصدی اند، نزاع و اختلافی ندارند، آن چه محل بحث و گفت و گو است بیان تفاوت اخبار و انشا است. آراء و انظار مختلف عالمان علم اصول را در باب حقیقت اخبار و انشا می توان در دو دسته جای داد:

۱. انشا، ایجاد معنا به وسیله لفظ است در نفس الامر. این نظریه را محقق خراسانی اظهار کرده است. وی در کتاب فوائد الاصول می گوید: ^{۳۷}

بدان که انشا گفتاری است که ایجاد معنا در نفس الامر از آن قصد می شود نه حکایت از ثبوت و تحقق معنا در ذهن یا خارج. به همین دلیل، انشا متصف به صدق و کذب نمی شود به خلاف خبر، زیرا خبر تثبیت، تقریر و حکایت از ثبوت امری است که در موطن خود ثابت است، بنابراین متصف به صدق و کذب نمی شود.

توضیح و تفسیر درست نظرگاه محقق خراسانی محل بحث و گفت و گو است. شاگرد برجسته او یعنی محقق اصفهانی سخن استادش را چنین تفسیر کرده است:

تفاوت [انشا و اخبار] در این است که گاهی غرض گوینده حکایت از نسبتی است که در موطن خود واقع و موجود است، به وسیله لفظی که نازل منزله آن است و گاهی غرض او این است که خود نسبت را به وسیله لفظی که نازل منزله آن است، ایجاد کند؛ برای مثال، معنای جمله «خریدم»، چه خبری و چه انشائی، واحد است و آن، همان نسبتی است که به ملکیت تعلق گرفته است و هیئت «خریدم» وجود تنزیلی همین نسبت ایجاد است که وابسته به گوینده و متعلق به ملکیت است. لکن گاهی وجود این نسبت در خارج به وسیله وجود تنزیلی و جعلی لفظی قصد می شود، پس در این صورت، غیر از قصد ایجاد بالعرض و بالذات چیز دیگری وجود ندارد، در این صورت، انشا است. و

گاهی علاوه بر ثبوت تنزیلی معنا، حکایت از ثبوت آن در موطنی نیز قصد می‌شود. در این صورت اخبار است...، تفاوت مذکور به لحاظ تقابلی است که میان معانی اخباری و انشائی وجود دارد، بنابراین استعمال الفاظ مفرد در معانی ناقض تفاوت مذکور نیست، زیرا استعمال الفاظ مفرد در معنا از این حیث که صرفاً برای ثبوت معانی در خارج استعمال می‌شوند، مانند انشائیات اند، البته از نوع غیر تام، که سکوت مخاطب صحیح نیست، به خلاف معانی انشائی که در مقابل معانی خبری قرار می‌گیرند. این بهترین چیزی است که می‌توان در شرح حقیقت انشا تصور کرد و مقصود استاد علامه ما [محقق خراسانی] نیز همین است. ۳۸.

طبق نظرگاه محقق اصفهانی و تفسیر وی از رأی محقق خراسانی همه علائم و نشانه‌های زبانی با معنای خود به دلیل علاقه و ارتباط وضعی، ملازم اند، به گونه‌ای که معنا در مرتبه ذات لفظ ثابت است و در هیچ مرحله‌ای از مراحل وجود قابل انفکاک از آن نیست و به تعبیر محقق اصفهانی لفظ، وجود تنزیلی معنا است، در این جهت فرقی میان الفاظ انشائی یا اخباری نیست. تفاوت اخبار و انشا مربوط به قصد گوینده است. گوینده گاهی به وسیله علائم و نشانه‌های زبانی، اثبات نسبت میان دو چیز را به وسیله خود علامت زبانی قصد می‌کند و گاهی به وسیله علائم و نشانه‌هایی که آنها را در معنای خودشان استعمال می‌کند قصد حکایت از نسبتی - صادق یا کاذب - را در خارج دارد. بنابراین، اگر گوینده برای ابراز قصد خود از علائم و نشانه‌های زبانی استفاده کند که هم برای انشا صلاحیت دارند و هم برای اخبار، در این صورت تقابل اخبار و انشا، عدم و ملکه است ولی اگر از الفاظ و علائمی استفاده کند که به حسب وضع تنها برای اخبار یا انشا صلاحیت دارند، تقابل اخبار و انشا از نوع سلب و ایجاب است. ۳۹.

بعضی از عالمان علم اصول^{۴۰} در تفسیری که محقق اصفهانی از کلام محقق خراسانی به دست داده است تردید کرده‌اند و بعضی اساساً^{۴۱} رأی محقق اصفهانی را متمایز و متفاوت با نظر محقق خراسانی دانسته‌اند. به نظر می‌رسد، رأی محقق اصفهانی به حسب حقیقت همان نظرگاه استادش محقق خراسانی است، با این تفاوت اندک که اگر گوینده قصد خود را با الفاظ و علائم مشترک میان اخبار و انشا اظهار کند، در این صورت، اختلاف اخبار و انشا تنها در مرحله استعمال و قصد گوینده است ولی اگر قصد خود را با الفاظ و علائم مختص به اخبار یا انشا اظهار کند،

تقابل و تفاوت اخبار و انشا علاوه بر مرحله استعمال، در مستعمل فیه نیز خواهد بود. حاصل این که محقق خراسانی میان علائم و نشانه های زبانی مختص به انشا و اخبار و علائم مشترک تفاوت نهاده است، ولی محقق اصفهانی تفاوت قائل شده است. به هر حال طبق نظرگاه نخست تقسیم افعال زبانی به اخبار و انشا مربوط به قصد گوینده است و نه مربوط به سطح زبان شناختی و دلالت تصویری.

۲. انشا و اخبار و تفاوتشان مربوط به مرحله استعمال و قصد گوینده نیست، بلکه امری معناشناختی و مربوط به مرحله وضع و معنای زبانی است، زیرا جمله خبری بر حسب وضع و قرارداد برای نسبت تام به عنوان یک واقعیت و امر مسلم و مفروض عنه وضع شده است، اما جمله انشائی برای نسبت تامی که تحقق آن قصد شده، وضع شده است.

این نظرگاه را شهید صدر اظهار کرده است.^{۴۲} توضیح نظرگاه شهید صدر این است که جمله های خبری برای ربط و نسبت میان دو طرف وضع شده اند، دوطرفی که در خارج بر یک دیگر تصادق دارند. نسبت مذکور ذهنی است نه خارجی، زیرا اگر نسبت خارجی باشد، باید دوطرف متغیر، در خارج داشته باشد در حالی که در خارج از ذهن یک چیز وجود دارد که هم مصداق موضوع است و هم مصداق محمول. بنابراین، در جمله «علی دانشمند است» نسبتی در ذهن وجود دارد که دوطرف متغیر - علی و دانشمند - دارد و جمله ای که بر آن دلالت می کند، جمله ای تام است.

اما جمله های انشائی دو گونه اند: الف) جمله هایی که مختص به انشانند مانند صیغه های فعل امر، نهی، جمله های استفهامی، تمنی و ترجی و مانند اینها. ب) جمله هایی که میان انشا و اخبار مشترک اند مانند جمله «خریدم»، «فروختم» و مانند اینها. در گونه اول مفاد و مدلول جمله های انشائی، همان نسبت میان دو طرف است و ادات استفهام و تمنی یا هیئت افعال متمم این نسبت اند.

شهید صدر مقصود خود را با عبارات زیر بیان کرده است:

نسبت میان «علی» و «دانشمند» [در جمله «علی دانشمند است»] فقط دو رکن ندارد بلکه رکن سوم هم باید وجود داشته باشد، زیرا نسبت تصادقی معنا ندارد مگر به لحاظ ظرفی که در آن ظرف، تصادق وجود دارد. ذهن، «علی» و «دانشمند» را تصور می کند در حالی که در عالمی از عوالم خارج از ذهن بر شیئی

تصادق دارند و این عالم در جمله خبری، عالم تحقق و ثبوت است. در زبان عربی، جمله خبری بدون هیچ علامت و نشانه خاصی بر عالم تحقق و ثبوت دلالت می‌کند و شاید زبانی یافت شود که دال و نشانه مستقلاً به ازای آن وجود داشته باشد. در جمله استفهامی این عامل، عامل استفهام یا سؤال است که نشانه استفهام بر آن دلالت می‌کند و در جمله تمنی عامل تمنی است که ادات و نشانه تمنی بر آن دلالت می‌کند و مانند اینها. در جمله خبری تصادق دو مفهوم (علی و دانشمند) در عالم تحقق است و در جمله‌های استفهامی و تمنی در عالم استفهام و تمنی و مانند اینها، مقصود از طرف [رکن] سوم وجود یک مفهوم اسمی سومی مانند مفهوم «علی» و «دانشمند» به ازاء نسبت تصادقی نیست بلکه وجود رکن سوم برای قوام یافتن و تحقق نسبت تصادقی است زیرا مفهوم «علی» و «دانشمند» نیازمند عالمی هستند که در آن هر دو صادق باشند. به عبارت دیگر، نسبت تصادقی میان دو مفهوم، حصه‌ها و افراد متعددی دارد؛ یکی نسبت تصادقی است به لحاظ عالم تحقق و دیگری تصادق در عالم سؤال و سومی در عالم تمنی و مانند اینها. تعیین یکی از این حصه‌ها یا به وسیله علائم و ادات داخل بر جمله صورت می‌گیرد و یا به وسیله عدم وجود ادات، مانند جمله خبریه ۴۳.

طبق نظرگاه شهید صدر تفاوت جمله انشائی مختص به انشا و جمله خبری، در مدلول تصویری آنها است و مربوط به عالم وضع و قرارداد است نه قصد گوینده، زیرا جمله خبری برای نسبتی که طرفین آن در عالم تحقق تصادق دارند، وضع شده است. پس تفاوت جمله انشائی و خبری مربوط به مدلول تصویری وضعی است نه مربوط به ذات آنها، زیرا متبادر از جمله استفهامی، نسبت استفهامیه است، در حالی که، در عالم استفهام طرفین نسبت تصادق دارند، گرچه جمله استفهامیه از شخص خوابیده که قصد و اختیاری ندارد، صادر شود. دو نظری که بیان کردیم، نماینده‌های مهم و برجسته دو دیدگاه کلی در علم اصول فقه‌اند.

تحلیل و بررسی نظرگاه عالمان علم اصول در باب اخبار و انشا

۱. تنبُّع در آراء و انظار عالمان علم اصول نشان می‌دهد که می‌توان رأی و نظر آنان را درباره حقیقت اخبار و انشا به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف) گروهی که اخبار و انشا را مربوط به مرحله دلالت تصدیقی و قصد و حال گوینده می‌دانند نه مرحله دلالت تصویری. در این گروه می‌توان از محققانی چون محقق خراسانی، محقق اصفهانی، محقق عراقی و محقق خوئی، نام برد.

ب) گروهی که تمایز و تفاوت اخبار و انشا را مربوط به مرحله دلالت تصویری و مقام وضع و نه قصد گوینده، می‌دانند. در این گروه می‌توان آراء و انظار عالمانی چون شهید صدر را قرار داد. اعضای هر گروه، در درون خود اختلاف نظرهای جزئی دارند که در مقصود فعلی ما تأثیر چندانی ندارد. در این جا از هر گروه، یک نظرگاه شاخص و مهم را آورده‌ایم.

۲. برای توضیح تفاوت دیدگاه این دو گروه و بیان لوازم و نتایج آن، باید نکته دیگری را توضیح دهیم. بی‌شک الفاظ ارتباط خاصی با معانی دارند، به گونه‌ای که هرگاه لفظ را تصور کنیم یا بشنویم، ذهن ما به معنا منتقل می‌شود. انتقال ذهن از لفظ به معنا را دلالت گویند. این که چگونه میان لفظ و معنا علاقه و ارتباط پدید می‌آید، بحث دیگری است که عالمان علم اصول در مبحث وضع، به تفصیل در باب آن بحث کرده و سخن گفته‌اند. اما بحث فعلی ما این است که دلالت لفظ بر معنا دو مرحله دارد:

الف) دلالت تصویری یا معناشناختی. دلالت تصویری و یا لغوی، دلالتی است که از وضع و قرارداد یک لفظ برای معنایی ناشی می‌شود و هیچ‌گاه قابل انفکاک از لفظ نیست. ویژگی مهم چنین دلالتی این است که هرگاه شنونده لفظ را بشنود ذهن او به معنا انتقال پیدا می‌کند، چه گوینده لفظ، دارای قصد و توجه باشد و چه گوینده، یک شخص خوابیده و بدون قصد و اختیار باشد و یا حتی لفظ، صدایی باشد که از پیچیدن باد در میان برگ درختان ایجاد می‌شود. بنابراین، دلالت تصویری به مجرد اظهار لفظ وجود پیدا می‌کند، خواه گوینده معنا را قصد کند یا نه.

ب) دلالت تصدیقی. دلالت لفظ بر قصد گوینده، دلالت تصدیقی است. در مرحله دلالت تصدیقی، مهم قصد گوینده است، البته، گوینده باید قصد خود را با علائم و نشانه‌هایی بیان کند که صلاحیت ابراز و اظهار قصد را دارند. تفاوت دلالت تصویری و تصدیقی را به وضوح می‌توان در مثال زیر نشان داد؛ جمله «علی آمد» به لحاظ دلالت، وقتی از یک شخص بیدار هشیار دارای قصد صادر شود، بی‌تردید با صورتی که همین جمله از شخص خوابیده یا غافل و یا از پیچیدن باد در میان برگ درختان ناشی شود، متفاوت است. در صورت اول، دلالت در حد تصور متوقف نمی‌ماند بلکه از اراده گوینده و قصد او نیز حکایت می‌کند، اما در صورت دوم، دلالت صرفاً لغوی و تصویری است.

دلالت تصدیقی ای که کاشف از اراده گوینده است شرایط و قواعد خاص و انواع متفاوتی دارد که در این جا مقصود اصلی ما نیست. آن چه برای مقصود فعلی ما مهم است، توجه به این نکته است که بعضی از عالمان علم اصول معتقدند که اختلاف اخبار و انشا در مرحله دلالت تصویری و وضع نیز اخذ شده است و بعضی دیگر اختلاف اخبار و انشا را تنها به مرحله دلالت تصدیقی مربوط می دانند.

۳. از منظر عالمان علم اصول، چه آنان که اختلاف اخبار و انشا را به دلالت تصویری مربوط می دانند و چه آنها که به دلالت تصدیقی ارجاع می کنند، تقسیم جمله تام به خبری و انشائی تقسیمی قطعی است، زیرا تقابل اخبار و انشا، به اعتقاد اغلب عالمان علم اصول، از نوع تقابل سلب و ایجاب است. واسطه یا فرض دیگری میان سلب و ایجاب، قابل تصور نیست. هیچ جمله ای وجود ندارد که متصف به اخبار و انشا نشود. مطالعات نگارنده این سطور نشان می دهد که عالمان علم اصول انحصار افعال زبانی را در اخبار و انشا مسلم و واضح تلقی کرده و هیچ برهانی بر آن اقامه نکرده اند، اما شاید بتوان دلیل حصر گزاره های زبانی را در اخبار و انشا طبق مبانی عالمان علم اصول به شرح زیر توضیح داد.

کسانی که اختلاف اخبار و انشا را به خصوصیتی ارجاع می دهند که واضح هنگام وضع در موضوع^۱ له و معنا اخذ کرده است، بر این عقیده اند که نسبت را به بیشتر از دو گونه نمی توان لحاظ کرد، یا این که واضح نسبت را فانی در واقعیتی مستقل از لفظ و موجود در خارج لحاظ می کند و یا نسبت را فانی در واقعیتی لحاظ می کند که به وسیله خود لفظ، ایجاد می شود. طبق این تحلیل، بیش از دو طبقه فعل زبانی نداریم، زیرا بنا بر این نظریه، زبان تنها منعکس کننده واقعیت هایی است که انسان می تواند درک کند و در مورد بحث ما یا واقعیت چیزی مستقل از زبان و قابل تحقق در خارج است، جمله هایی که چنین واقعیت هایی را منعکس می کنند جمله های خبری هستند و کاری که گوینده با این جمله ها می کند اخبار است، و یا واقعیت به گونه ای است که یک وجود مستقل از زبان ندارد بلکه واقعیت به وسیله زبان ایجاد می شود، چنین جمله هایی انشائی اند و فعلی که گوینده با چنین جمله هایی انجام می دهد، انشا است.

اما کسانی که اخبار و انشا را مربوط به موضوع^۲ له و معنا نمی دانند بلکه مربوط به دلالت تصدیقی می دانند و آنها را از خصوصیات استعمال می دانند بر این عقیده اند که اختلاف اخبار و انشا مربوط به ذات معنای هر یک نیست بلکه مربوط به کیفیت و چگونگی لحاظ معنا در وقت

استعمال است. گوینده و استعمال کننده تنها به دو صورت می‌تواند زبان را به کار گیرد، یا زبان را برای بیان واقعیتی مستقل در خارج به کار می‌گیرد و یا برای ایجاد واقعیتی به وسیله زبان. حاصل این که آن چه خود را در سطح زبان در دو گروه جمله‌های خبری و انشائی نشان می‌دهد کاشف از یک واقعیت عقلی، مربوط به تحلیل و ادراک ذهن است. قوه ذهن و ادراک بشر به نحو دیگری غیر از دو صورت یادشده نمی‌تواند نسبت را لحاظ کند.

تا این جا به اختصار نظرگاه عالمان علم اصول و بعضی از فیلسوفان تحلیلی را در مورد طبقه‌بندی افعال زبانی طرح کردیم. گمان می‌کنم زمینه برای طرح بعضی از نکات مقایسه‌ای فراهم آمده است.

سنجش و مقایسه

نکات زیر مهم‌ترین نکاتی‌اند که در مقام مقایسه میان آراء عالمان علم اصول و نظرگاه‌های فیلسوفان تحلیلی درباره طبقه‌بندی افعال زبانی می‌توان برشمرد:

۱. طبقه‌بندی افعال زبانی تابعی از تحلیل نحوه عمل ذهن در نشان دادن واقعیت است. گرچه به لحاظ اثباتی چنان‌که سرل تذکر داده است،^{۴۴} نخست ما به عبارات و جمله‌های زبانی و موارد استعمال آنها توجه می‌کنیم، ولی پس از تأمل و دقت متوجه می‌شویم که انواع متفاوت کارهایی که با زبان انجام می‌دهیم، بر پایه توانایی‌های ذهن در عرضه واقعیت استوار است. این نکته مورد وفاق عالمان علم اصول و فیلسوفان تحلیلی است. در حقیقت، زبان و سخن گفتن توانایی‌ای است که انسان به وسیله آن می‌تواند آن چه را که ادراک می‌کند بیان کند و بدین وسیله کارهای مختلفی چون توصیف، اخبار، پرسش، وعده و مانند آن را انجام دهد.
۲. بی‌گمان، طبقه‌بندی افعال زبانی هیچ ربط و نسبتی با انواع مختلف افعال نحوی و انواع جمله‌ها و واژه‌هایی که به کار می‌بریم ندارد، بلکه در بحث طبقه‌بندی در صدد توضیح این نکته هستیم که کارهای زبانی که انجام می‌دهیم مانند اخبار، توصیف، پرسش، آرزو، تشکر و افعال دیگری از این دست بر چه مبنایی قابل تحلیل‌اند و به چند فعل بنیادین قابل تحویل؟
۳. عالمان علم اصول بحث طبقه‌بندی افعال گفتاری را ذیل بحث اخبار و انشا مطرح کرده‌اند و به صراحت گفته‌اند که اخبار و انشا، فعل‌هایی‌اند که انسان دارای قصد، به وسیله زبان، انجام می‌دهد. آراء و نظریه‌های مختلف عالمان علم اصول در باب حقیقت اخبار و انشا و به

تبع آن جمله‌های خبری و انشائی تا آن‌جا که در طبقه‌بندی افعال گفتاری و انحصار طبقه‌بندی در اخبار و انشا اثر دارد مورد توجه ما در این مقاله قرار گرفته است.

اما فیلسوفان تحلیلی^{۴۵} بحث طبقه‌بندی افعال زبانی را به صورت مستقل مورد توجه قرار داده‌اند و اخبار را در طبقه‌دیگری گنجانده‌اند، که ما در این‌جا یکی از مهم‌ترین طبقه‌بندی‌های فیلسوفان تحلیلی، یعنی طبقه‌بندی سرل را طرح کردیم.

۴. بر اساس نظرگاه فیلسوفان تحلیلی - به ویژه سرل - طبقه‌بندی باید ناظر به عنصر اصلی و اساسی انجام یک فعل زبانی یعنی قصد گوینده باشد و قصد گوینده تنها به پنج طریق قابل عرضه است و یا به تعبیر دقیق‌تر ذهن تنها به پنج صورت می‌تواند به وسیله زبان، واقعیت را عرضه کند. نکته یادشده، مهم‌ترین نکته و اساسی‌ترین نقطه اختلاف میان فیلسوفان تحلیلی و عالمان علم اصول است. به اعتقاد عالمان علم اصول، طبقه‌بندی افعالی که گوینده عرضه می‌کند باید ناظر به نحوه ربط و نسبتی باشد که ذهن می‌تواند آن ربط و نسبت را در مقام عرضه واقعیت درک کند. البته، روح این تحلیل همان است که سرل به عنوان مبنای نظری طبقه‌بندی، عرضه کرده است ولی نتیجه‌ای که عالمان علم اصول از تحلیل خود گرفته‌اند، این است که نسبت و ربطی که در قالب جمله ظهور و بروز پیدا می‌کند تنها به دو صورت قابل انجام و تحقق است، یا به صورت اخبار و یا به صورت انشا.

مهم‌ترین پاسخ سرل به نظرگاه کسانی که افعال زبانی را تنها به دو طبقه خبری و انشائی و یا به تعبیر دیگر به دو نوع قابل صدق و کذب و غیرقابل صدق و کذب، تقسیم کرده‌اند، این است که این تقسیم جامع نیست؛ برای مثال، فعل گفتاری وعده و فعل گفتاری درخواست با این‌که هر دو طبقه‌بندی اخباری - انشائی، از طبقه انشا هستند - زیرا هر دو با زبان، واقعیتی را ایجاد می‌کنند - با این حال، نمی‌توان آنها را از یک طبقه دانست، زیرا هدف اصلی و قصد اساسی گوینده در هر یک متفاوت است، در یکی مقصود التزام به انجام فعل است و نه بالضروره انجام فعل. ولی در دیگری مقصود، وادار ساختن مخاطب به انجام فعل است و چون نمی‌توان یکی را به دیگری تحویل برد، نمی‌توان آنها را از یک طبقه دانست.

می‌توان به این اشکال سرل این‌گونه پاسخ داد که درست است که در درون طبقه انشا فعل‌های گفتاری متفاوتی صورت می‌گیرد، برای مثال فعل گفتاری وعده و فعل گفتاری امر از نظر قصد گوینده متفاوت‌اند، ولی هر دو در طبقه کلی تر انشا، قابل اندراج‌اند. به عبارت دیگر

نسبت طبقه بندی سرل به طبقه بندی عالمان علم اصول نسبت خاص به عام است؛ یعنی این دو طبقه بندی در مقابل یک دیگر نیستند بلکه می توان طبقه بندی پنج گانه سرل را در یک طبقه بندی کلی تر، یعنی دو طبقه اخبار و انشا مندرج ساخت. تفصیل بیشتر در این خصوص را به مجال واسع تری وامی نهیم.

پی نوشت ها:

1. linguistic acts
2. speech acts
3. form of life

۴. برای تفصیل بیشتر نک:

Stern, David. G. *Wittgenstein's Philosophical Investigations an introduction*, Cambridge University Press, 2004.

Glock, Hans, J. *A Wittgenstein Dictionary*, Blackwell, 1996.

۵. John Austin (۱۹۱۱ - ۱۹۶۰) فیلسوف زبان و استاد کرسی فلسفه اخلاق در دانشگاه آکسفورد.

6. speech act theory

۷. برای تفصیل بیشتر درباره نظریه افعال گفتاری و سهم آستین در تنسيق و تنظيم آن نک:

عبداللّهی، محمدعلی، «نظریه افعال گفتاری»، در پژوهش های فلسفی - کلامی، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه قم، سال ششم، شماره ۲۴، سال ۱۳۸۴.

-Austin, John, L. *How to Do Things with Words*, Oxford University Press, 1962.

۸. سرل، افعال گفتاری، ترجمه محمدعلی عبداللّهی، ص ۱۰۸.

۹. برای تفصیل بیشتر نگاه کنید به: مقدمه کتاب افعال گفتاری، همان، ص ۵۳ به بعد.

۱۰. برای توضیح و تفصیل بیشتر نکات پنج گانه بنگرید به: افعال گفتاری، همان، فصل ۲.

11. Wittgenstein, Ludwig, *Philosophical Investigations*, Blackwell, 1953, Para. 23.

12. Wittgenstein Ludwig, *Tractatus logico - PhilosoPhico*, Routledge, 1922, 4.02.

13. linguistic games

14. family resemblance
15. use theory
16. Wittgenstein Ludwig, *philosophical Investigations*, Blackwell, 1922, Para. 569 .
- ۱۷ . برای تفصیل بیشتر در مورد تلفی جدید ویتگنشتاین درباره زبان به بندهای ۲۴۳ تا ۳۱۵ کتاب تحقیقات فلسفی مراجعه کنید و برای توضیح این بندها نک به :
Magin, Marie, *Wittgenstein*, Routledge, 1997, ch. 3 - 4.
18. Searle, John, *Expression and Meaning*, Cambridge University Press. 1979, P. Vii .
19. Ibid, P. Viii .
20. Searle, John, *Mind, language and society*, Basic Books, 1998, P. 147 .
21. illocutionary Point
22. direction of fit
23. intentional state
24. sincerity condition
- ۲۵ . برای تفصیل بیشتر در مورد شرط صداقت، نک به : سرل، افعال گفتاری، ص ۱۷۷ .
26. Searle, John, *Mind, Language and Society*, Basic Books, 1998, P. 148 .
27. Searle, John, *Expression and Meaning*, Cambridge University Press. 1979, P. 5 .
28. Ibid, P. 14 .
29. Searle, John, *Mind, Language and Society*, Basic Books, 1998, P. 150 .
30. institutional fact
- ۳۱ . برای تفصیل بیشتر در مورد واقعیت‌های نهاد، نک به :
Searle, John, *The Construction of Social Reality*, New York: Free Press, 1995.
Mind, Language and Society, Basic Books 1998.
- سرل، جان، افعال گفتاری، ترجمه محمدعلی عبداللّهی، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۵، ص ۱۶۲ .
- ۳۳ . حکیم، عبدالصاحب، منتقی الاصول، تقریرات اصول محقق روحانی، ج ۱، ص ۱۵۰، مطبعة امیر، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ. ق .

۳۳. فیاض، محمد اسحاق، محاضرات فی اصول الفقه، تقریرات اصول محقق خویی، ج ۱، ص ۸۴، انتشارات امام موسی صدر، بی تا، بی جا.
۳۴. اصفهانی، محمدحسین، «طلب و اراده» در: بحوث فی الاصول، ص ۲۰، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۳۵. اصفهانی، محمدحسین، نهایة الدرایة فی شرح الکفایة، ص ۲۹، انتشارات طباطبائی، قم، بی تا.
۳۶. فیاض، محمداسحاق، همان، ص ۸۶.
۳۷. خراسانی، محمدکاظم، فوائد الاصول، انتشارات وزارت ارشاد، چاپ تهران، ۱۴۰۷، ص ۱۷.
۳۸. اصفهانی، محمدحسین، نهایة الدرایة فی شرح الکفایة، ص ۱۶۱-۱۶۲.
۳۹. برای تفصیل بیشتر در خصوص نظرگاه محقق اصفهانی نک: محقق اصفهانی، محمدحسین، «الاصول علی نهج الحدیث» در: بحوث فی الاصول، ص ۲۰ و «الطلب و الاراده» در: بحوث فی الاصول، ص ۱۴ به بعد.
۴۰. حکیم، عبدالصاحب، منتقى الاصول، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۹.
۴۱. فیاض، محمداسحاق، المباحث الاصولیة، انتشارات شریعت، چاپ اول، بی جا، ج ۲، ص ۳۶.
۴۲. صدر، سیدمحمدباقر، دروس فی علم الاصول، الحلقة الثالثة، ص ۷۴، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۴۳. هاشمی، سیدمحمد، بحوث فی علم الاصول، الجزء الاول، انتشارات قم، ۱۴۰۵ هـ. ق، ص ۲۹.
44. Searl, John, *Expression and Meaning*, P. Viii, Cambridge University Press, 1979.
۴۵. برای تفصیل بیشتر نک به:
- Austin, John, *How to Do Things with Words*, Oxford University Press, 1962.
- Alston, William P. *Illocutionary Acts and Sentence Meaning*, Cornell University Press, 2000.
- Searl, John, *Expression and Meaning*, Cambridge University Press 1979.